

Contemplative on the place of Ommat bavari and Believing Nation in the Islamic Republic of Iran

Farhad Nam-Baradarshad ¹

Doi: 10.22034/te.2023.181935

Abstract

Research Paper

The concept of the word nation and the ideology attributed to it, nationalism, have undergone changes throughout history. If in the past it was known only in the form of patriotism and love for the homeland, it gradually helped the emergence of governments that claimed national government. National movements added to the expansion and growth of the concept of the nation and even turned it into an ideology to advance human exchanges. Against that, the concept of nationalism and the ideology attributed to it (Islamism) took on a political context, and political Islam emerged after that. The semantic range of these two concepts has fluctuated over time and due to the power of the government, the dependence of the system on one of these two ideologies has been functionally promoted and has stepped beyond its geographical limits and location and has designed new components for itself. This research, with a thought-oriented approach and analysis of library sources, seeks to answer the question of what interpretations of the concepts of nation and ummah have been given to the Islamic revolution and the intellectual spectrums of its special republic, and how has this interpretation evolved?

This study examines the capabilities of examining the internal structure of the nation and nation's thought, explaining how to find meaning in concepts, competition or alienation of these concepts in different intellectual spectrums of the society, and analyzes the intellectual discourse of these currents. Finally, this study tries to describe the ideals of each stream with the ideal method of Weber's type, and the ideals of each spectrum are raised in interaction or confrontation with the nation or the nation.

Keywords: Believing community, Believing nation, Currents of thought, Internationalism, Omm-al-Qari.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



1. PhD Doctoral student of Islamic Revolution History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Document review expert of National Library and Records Organization of Iran, Thran, Iran. Email: farhad.1363@gmail.com

تأملی در جایگاه امت‌باوری و ملت‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران

فرهاد نام‌برادرشاد^۱

Doi: 10.22034/te.2023.181935

مقاله پژوهشی

چکیده: مفهوم واژه ملت و ایدئولوژی منتسب به آن ملی‌گرایی، در طول تاریخ دست‌خوش تغییراتی شده است. اگر در گذشته صرفاً به شکل وطن‌پرستی و علاقه به موطن شناخته می‌شد، به تدریج به پدید آمدن حاکمیت‌هایی که داعیه حکومت ملی داشتند، یاری رساند. نهضت‌های ملی به گسترش و رشد مفهومی ملت افزودند و حتی آن را به یک ایدئولوژی برای پیشبرد تبادلات انسانی مبدل ساختند. در برابر آن مفهوم امت‌باوری و ایدئولوژی منتسب به آن (اسلام‌گرایی)، زمینه سیاسی به خود گرفت و اسلام سیاسی پس از آن مطرح شد. گستره معنایی این دو مفهوم در طول زمان نوسان داشته و به واسطه قدرت حاکمیت، وابستگی نظام به یکی از این دو ایدئولوژی ارتقای کاربردی یافته و پا را فراتر از حدود جغرافیایی و تعیین مکانی خود گذاشته است و مؤلفه‌های نوینی برای خود طراحی کرده‌اند. این پژوهش، با رویکرد اندیشه‌نگر و تحلیل منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که انقلاب اسلامی و طیف‌های فکری جمهوری ویژه آن چه قرائتی از مفاهیم ملت و امت دارند و این قرائت چه تحولی یافته است؟

این مطالعه ظرفیت‌های بررسی ساختار درونی اندیشه امت و ملت، توضیح چگونگی معنایابی مفاهیم، رقابت یا غیریت‌سازی این مفاهیم در طیف‌های مختلف فکری جامعه را بررسی می‌کند و به تحلیل گفتمان اندیشگی این جریان‌ها می‌پردازد. در نهایت این مطالعه می‌کوشد با روش ایده‌آل تیپ‌بری، غایت آمال هر جریان را توصیف کند و آرمان هر طیف در تعامل یا تقابل با امت یا ملت مطرح می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: امت‌باوری، ملت‌باوری، جریان‌های فکری، انترناسیونالیسم، ام‌القری.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. کارشناس

Email: farhad.1363@gmail.com

اسناد خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۵

مقدمه

این پژوهش به گرایش طیف‌های سیاسی و مذهبی مختلف در دوره جمهوری اسلامی و اندیشه‌ها و ایدئولوژی مربوط به آنها پرداخته و سعی دارد در چارچوب شناخت مفاهیم به هر طیف یا جریان پردازد. مبنای این مطالعه چهار رویکرد یا چهار طیف فکری غالب است که در دوره جمهوری اسلامی اندیشه زنده و جاری دارند و با عناوین جریان اُمت‌گرایی تندرو، جریان اُمت‌باوری میانه‌رو، جریان ملت‌باوری میانه‌رو و جریان ملی‌گرایی تندرو معرفی می‌گردند. ملت‌باوری ساختاری است که مبنای خود را بر عقل تاریخی بشر و اومانیسم بنیاد نهاده و در دیگر ابعاد خود از اراده انسانی وام‌دار است. ملت‌باوری در بُعد نظری در تاریخ ملل مختلف تطور یافته و در بخش عمل نیز تغییر و تکامل را پشت سر گذاشته است. اُمت‌باوری از بُعد نظری و مبانی آن تصور چندانی را پشت سر ندارد و پس از تکوین اولیه آن در متون مذهبی، اندیشمندان اسلامی به آن صورت نظری و عملی بخشیدند (نیکونهاد و مکارم، ۱۳۹۹، ص. ۷۵). اگرچه نظام حقوق اساسی ایران در دوره جمهوری اسلامی در سطح مبانی و اهداف مبتنی بر اندیشه اُمت و امامت‌باوری سامان یافته است، اما بنا به دلایل مختلف از جمله شرایط خاص پس از انقلاب و جنگ تحمیلی منجر گردید، همه اقتضائات و لوازم فراگیر و متناسب با این نظریه در قانون اساسی وارد نشده یا به اجمال وارد شد. انگاره‌هایی از ملت‌باوری و قوانین جهانی در سطح ساختارها و نهادها وجود دارد، که چالش‌هایی را در طیف‌های مختلف فکری ایجاد کرده است (نیکونهاد و مکارم، ۱۳۹۹، ص. ۷۱). که جامعه را به سوی دو قطبی ایرانیت و اسلامیت سوق می‌دهد. یکی از چالش‌های نظام اُمت‌باور، پیاده‌سازی آن و خلق ساختارها، نهادهای سیاسی، قضایی، فرهنگی از جنس آن است و نمود چنین چالشی را در تعریف نشدن جایگاه مکلف بودن یا شهروند بودن فرد در جامعه می‌توان مشاهده کرد. قانون اساسی، اُمت و ملت را با مفاهیم خاص (در اولی، اسلامی) و برای دومی (حقوقی و سیاسی) مورد توجه قرار داده است (نجاری، محمودی و زرگر، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۰).

در این مطالعه برای تمیز هر جریان، عنوان دسته‌بندی یا صف‌بندی کاربردی نیست و مفاهیم «طیف» و «جریان» به کار گرفته شده است و تلاش گردیده از همه آنان که

خود را تابع جمهوری اسلامی می‌شناسند، چه در داخل مرزهای کشور و چه در خارج صحبت به میان آید. منظور از طیف یعنی در هر دسته، هنوز مبانی اندیشه‌ای نهادینه نشده و شدت و ضعف فکری هر شخص با دیگر افراد در هر طیف، یک شکل و یک جور نیست و لزوماً هم مثل یکدیگر نمی‌اندیشند، اما در اصول و ممیزات مورد پذیرش طیف یا جریان فکری بسیار به هم نزدیک هستند، در حدی که می‌توان آنها را از یک طیف یا یک جریان دیگر بازشناخت و تقریباً هنوز به یک دسته همیشه جدا و مشخص، مبدل نگردیده‌اند و امکان نوسان فکری و خروج از یک طیف و ورود به طیف دیگر برای ایشان وجود دارد. استفاده از برخی واژگان یا مفاهیم حوزه تحلیل‌گفتمان به منظور معنادار ساختن مفاهیم چندوجهی و فرهنگی و تسهیل در دریافت‌غایت و مقصود نویسنده است. مفاهیم ملت‌باوری و اُمت‌باوری، اعم از ایرانیت، اسلامیت و ایدئولوژی‌های منتسب به هر کدام از مفاهیم‌اند و استفاده از آنها نوعی تسهیل در درک و همراهی در معنا را برای مخاطبان ایجاد می‌کند. راقم این سطور بر این باور است که پرداختن به همه ابعاد جایگاه این مفاهیم بین جریان‌های فکری جمهوری اسلامی در یک مقاله مقدور نیست؛ ولی با توجه به سمت و سوی جامعه و دو قطبی شدن آن در سال‌های اخیر، طرح این مسائل به بازاندیشی در رابطه جایگاه مردم و نقش حاکمیتی اصیل آنها یاری می‌رساند.

۱. پیشینه پژوهش

تحقیقات و پژوهش‌های جدیدی در رابطه با تعریف طیف‌های سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی به شکل علمی و برداشت آنها از مفاهیم اُمت و ملت در جامعه دانشگاهی به رشته تحریر در نیامده است. در بین علمای حوزه، این مفاهیم بیشتر مورد نظر قرار گرفته است. ولی عمده توجه این طیف به ریشه‌شناسی این مفاهیم در اسلام و فرق مختلف اسلامی بوده و مبانی آن را در دهه‌های اخیر پیگیری نکرده‌اند.

امت و امامت اثر علی شریعتی (شریعتی، بی‌تا) متفکر معاصر ایران است که به مسأله امت و امامت، برخلاف نظریات اسلاف که موضوع را در حوزه‌های اعتقادی، کلامی

و فلسفی کاویده‌اند، نگرشی نو از زاویه اجتماعی-سیاسی است و این که باید در فهم دین تجدید نظر نمود و از افراط و تفریط پرهیز کرد. این اثر با دید جدیدی نسبت به مفاهیم بنیادین اسلامی از جمله اَمّت پرداخته است. در بین محققین جدید، بابایی زارچ در کتابش امت و ملت در اندیشه امام خمینی (بابایی زارچ، ۱۳۸۳) به ریشه‌شناسی تاریخی مفاهیم مَلّت و اَمّت پرداخته است و سیر تکوین ایدئولوژی‌های منتسب به آنها را در قرون نوزده و بیست میلادی پیگیری و تفاوت‌های برداشتی از این مفاهیم را در بین علمای اسلام و دانشمندان غرب بررسی کرده است. عمده توجه این اثر به جایگاه این مفاهیم و مرزبندی جغرافیایی در اندیشه سیاسی اسلام است. مبانی نظری آن را در اندیشه سیاسی امام خمینی به تفصیل پرداخته است. محسن غرویان و شاکر قوامیان در «ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) از دیدگاه اسلام» (غرویان و قوامیان، ۱۳۸۰) ایده انترناسیونالیسم اسلامی را پرورش داده است و این ایده را در بین جنبش‌های مختلف عربی پیگیری کرده است و تفاوت آن با انترناسیونالیسم پرولتری یا دیگر جهان‌وطنی‌های شناخته شده در مکاتب مختلف مقایسه کرده است. نقطه تمایز این پژوهش این است که در تحقیقات پیشین گستره معانی مفاهیم اَمّت و مَلّت در عصر جمهوری اسلامی و تعریف طیف‌های مختلف سیاسی و مذهبی آن مورد نظر نبوده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

به هنگام تحقیق برای عبور از سطح توصیف باید از یک مرجع نظری که فراتر از مشاهده نظری است، استفاده کرد. این مرجعی است که جهان تجربی و واقعیات را با آن می‌سنجند و به همین وسیله است که می‌توان از سطح توصیف گذشت و به سطح تبیین و تفهیم رسید.

ایدآل تیپ (تیپ ایده‌آل)^۱ شبکه یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های ناشی از تجربیات محسوس است که با هم نمونه‌ای ناب، خالص، اصلی و ذهنی را تشکیل می‌دهند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص. ۳۸). ماکس وبر، تیپ ایده‌آل را ابزار طبقه‌بندی معرفی می‌کند و

1. Ideal type

می‌توان از آن برای تنظیم و آرایش نظام‌مند مقولات متعددی استفاده کرد که در هر یک از آنها تمام مشاهدات کمی و کیفی که در قالب توصیف‌های آن می‌گنجد، در یک گروه قرار بگیرند (نوابخش، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۵). قالب و کلیتی است شامل مجموعه مفاهیمی که یک محقق علوم فرهنگی آنها را تنها به منظور دسته‌بندی واقعیات پراکنده تنظیم می‌کند. نوعی تجسم‌انگاری که برآمده از یک کل تاریخی منفرد است که از راه عقلانی کردن آرمانی و تشدید یک سویه صفات ویژه و اصیل به منظور دادن معنایی صریح و مبهم به آنچه در تجربه خالص وجودی ما مبهم و آشفته می‌نماید، ساخته می‌شود (فروند، ۱۳۶۲، ص. ۷۰). به عبارت دیگر، تنها حکم ابزار و وسایلی را دارد که در دادن صراحت و یکنواختی معنادار به موضوع تحقیق ما را یاری می‌دهد (تنهایی، ۱۳۷۴، ص. ۲۸۰). بنابراین آفریدن یک الگوی مجازی فی نفسه هدف نیست، بلکه هدف از آن تنها تسهیل تحلیل تجربی است و سود کاربردی دارد (شیخ‌وندی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۰) که به عنوان یک الگوی مفهومی، روابط و حوادث خاص زندگی اجتماعی-تاریخی را در یک مجموعه در کنار هم قرار می‌دهد و در نهایت یک سیستم از درون دارای ثبات شناخته می‌شود و از این منظر حائز اهمیت زیادی است. این تئوری مرکب از مفاهیم محدود شده ایده‌آلی است که یک واقعیت یا کنش با آن مقایسه می‌شود و تبیینی در مورد اهمیت اجزای آن ارائه می‌دهد. تیپ‌های ایده‌آل مفهومی نیستند که واقعیت با آنها مقایسه می‌شود، بلکه ایده‌آل‌هایی هستند که واقعیت به کمک آنها به نحو سنجیده‌ای مورد قضاوت قرار می‌گیرد. ارزش و اهمیت تیپ ایده‌آل در منطبق آن است، نه مسائل اخلاقی. به عبارت دیگر، نباید با ساختن تیپ ایده‌آل انتظار مشاهده آنچه باید باشد در امور و پدیده‌ها را داشته باشیم.

این پژوهش چهار جریان را در این برهه از تاریخ ردیابی می‌کند. «جریان» به مجموعه رویدادها و اندیشه‌هایی که در جهت هدفی خاص طی طریق می‌کند، می‌باشد. جریان‌شناسی به شناخت منظومه‌ای، چگونگی شکل‌گیری، تبدیل فکر به سازمان و جنبش و مطالعه سیر تطور آن اشاره دارد. جریان‌شناسی، صبغه اندیشه و عمل اجتماعی یک مکتب فکری را مشخص و با قرار گرفتن در مدل گفتمان در الگوی جریان-گفتمان، ما شاهد ظرفیت‌ها برای بررسی ساختار درونی اندیشه امت و ملت،

توضیح چگونگی معنایابی مفاهیم، نحوه جذب یا تحول مفاهیم در یک گفتمان و تغییر و تطبیق آنها، رقابت یا غیریت‌سازی مفاهیم گفتمان‌ها در شرایط مختلف جامعه هستیم و در بطن خود به تبیین نقش رهبران و نخبگان آن جریان‌ها می‌پردازد. به واقع، این مطالعه با روش ایده‌آل تیپ (تیپ ایده‌آل) وبری و نگاه گفتمانی، جایگاه نظری مردم و تابعان کشور ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت این مطالعه می‌کوشد بدون جهت‌گیری، غایت آمال هر جریان، نوسان در ارزش‌ها، اهداف جریان‌ها، افراد و احزاب منتسب به آنها را پیگیری کند. آرمان هر طیف در تعامل یا تقابل با امت یا ملت مطرح می‌گردد.

۳. بررسی مفاهیم

ملت: این واژه مفهومی پایدار و از ریشه «مَلَل» است و به اعتقاد علامه طباطبایی «ملت روش حیاتی معموله میان مردم است و گویا متضمن املا (خسته کردن) و املا (دیکته کردن) هم می‌باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص. ۵۳۲). بنابراین، به اعتبار آن که پیغمبر آن را املا می‌کرده است، به اصول شرایع منتقل شده و معنی دین و آیین نیز در آن راه یافته است. به واقع، راه و روش و طریقه‌ای که از طرف یک رهبر الهی بر مردم عرضه شده است (بابایی زارچ، ۱۳۸۳، صص. ۲۲-۲۳). بر این اساس، واژه ملت در بدو خلق آن، مفهومی مذهبی و به پیروان ادیان مختلف اطلاق می‌شد. در دوره‌های بعد، به مجموعه مردمی با گرایش دینی و مذهبی و درون مایه دیانت تغییر ماهوی پیدا کرده و وابستگی‌ها و تعلقات دیگری از جمله دلبستگی بومی و قومی جایگزین آن تعلقات مذهبی اولیه گردید و حتی بعدها در مقابل دین قرار گرفت. این مفهوم در ادبیات عامه با مفهوم «مردم» گاهی جایگزین شده است و گسترش معنایی آن با توجه به شرایط مختلف قبض و بسط پیدا کرده است. آنچه قابل ذکر است این که مفهوم «مردم» برای تعیین گروه‌های اجتماعی به کار می‌رود. ولی مفهوم «ملت» از نظر حقوقی و سیاسی، واجد جمعیتی است که در قلمرو و سرزمین مشخص مستقر هستند که - حدود آن روشن است - و این استقرار می‌تواند نتیجه وحدتی تاریخی، زبانی، مذهبی یا حتی

اقتصادی باشد (بابایی زارچ، ۱۳۸۳، صص. ۲۷-۲۸). مفهوم تاریخی «ملت» هر چه از تعلقات اولیه دور شد، بار سیاسی بیشتر به خود گرفت و علاوه بر مؤلفه‌های ذکر شده، عنصر قدرت حاکمه به آن افزوده شد. به عبارت دیگر ملت در ارتباط با دستگاه حاکمیت معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

در مفهوم نوین ملت، دولت به عنوان مهم‌ترین سازمان سیاسی و اداری در تشکیل ملت و تقویت احساسات ملی اهمیت یافته است. در کشورهای تازه استقلال یافته، فرایند ملت‌سازی و استمرار آن از مهم‌ترین پروژه‌های دولت است. در عصر جدید عوامل عینی به ظهور و شناخت ملت‌ها کمک می‌کنند. عواملی چون نژاد و خویشاوندی، اشتراک دین و زبان و پیوندهای جغرافیایی و اقتصادی و تاریخی، میهن، قلمروی حیات یک ملت است. ملت و میهن یک ارتباط دو سویه دارند و آنها با یکدیگر قابل درک هستند. در عصر جدید با دو مفهوم «ملت‌گرایی» و «ملی‌گرایی» روبرو هستیم که غایت آنها برآورده کردن خواسته‌های ملت هستند. ملت‌گرایی با شکل‌گیری هویت یک گروه انسانی مشخص ارتباط دارد و این شکل‌گیری کاملاً از آگاهی ملی پیروی می‌کند. اندیشه ملی‌گرایی، مبلغ اتحاد عناصر مختلف فرهنگی و اجتماعی است. حال آن که ملت‌گرایی به اتحاد عناصر مختلف سیاسی-جغرافیایی توجه دارد. ملی‌گرایی جنبه پویا، حرکت یافته، عملی و عینیت یافته ملیت است. ملیت بُعد نظری ملت‌خواهی و اهداف ملی است (بابایی زارچ، ۱۳۸۳، ص. ۴۶). ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم از عشق و علاقه و تعلق خاطر داشتن یک ملت به سرزمین، زبان، فرهنگ، تاریخ و یا نژادشان حکایت دارد که همین وابستگی‌ها باعث می‌شود آن ملت از این خصایص دفاع کرده و آنها را حفظ کند. نوعی آگاهی مشترک است که احساس تعلق به یکدیگر را بازتولید می‌کند. پدید آمدن حاکمیت ملی و همچنین نهضت‌های ملی، که به گونه‌ای مشارکت افراد را نشان می‌دهد، به رشد مفهوم واژه ملت آن هم در برابر دولت اشاره می‌کند و ملی‌گرایی را به مانند یک ایدئولوژی سیاسی مطرح می‌کند. با توجه به تعاریف، ملیت در اندیشه ایرانیان سه صفت دارد: اول اعراض از قدرت آسمانی و پذیرش اراده بشری در امر حاکمیت. دوم تقدیس سنن و سوابق قومی و سوم مخالفت با عوامل تضعیف‌کننده قدرت ملی و سنن قومی (داوری،

۱۳۸۲، ص. ۲۰). مؤلفه مهم دیگری که در این پژوهش به تعریف ملیت افزوده می‌شود، تابعیت ایرانی است. تابعیت، رابطه‌ای است معنوی و ذاتاً سیاسی که شخص را به کشور معینی مربوط می‌سازد. مراد تعلق شخص به سرزمین و جغرافیای ایران است. در انقلاب اسلامی ایران، گستره این مفهوم بسیار سیال بوده و شمول آن در حوزه‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی منعکس شده است.

أمت: اصطلاحی قرآنی و دینی که سابقه‌ای در زبان غربی ندارد و به جامعه مسلمانان که تحت حکومت اسلامی هستند، گفته می‌شود. تنها عامل عضویت و تابعیت در آن اسلام است و شرایط شکل‌دهنده ملیت و ملی‌گرایی در آن نقشی ندارد. به جمعیتی که دارای مقاصد واحد و به واسطه آن با یکدیگر مربوط و متحد شده‌اند و به همین مناسبت بر فرد و افراد اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص. ۱۷۲). در مجموع به معنای گروهی از مردم است که یکی از رسالات و ادیان بر ایشان نازل شده است. این بیانگر ریشه مذهبی این (مفهوم) واژه است. پویایی، حرکت و انگیزه قرآنی که در واژه وجود دارد، باعث شده نسبت به مفاهیم دیگر مترقی‌تر و بیانگر جامعه پیشروی انسانی باشد. در تعریف أمت چندین مؤلفه مورد نظر صاحب‌نظران است: اشتراک در هدف، رفتن به سوی هدف و لزوم رهبری و هدایت مشترک (شریعتی، ۱۳۷۶، ص. ۳۳). ویژگی دیگر اُمت، برابری و برادری است. به واقع، اُمت، به وحدت بشر می‌اندیشد و مرزبندی‌های موجود را اصیل نمی‌شناسد. گستره مفهومی این واژه در تعاریف صاحب‌نظران به شکلی است که ظرفیت توسعه فراوانی در خود دارد. اُمت در جایگاه نظری، با عنصر عقیده و آرمان پیوند خورده است و این پیوند از طریق ملت و جغرافیا که نوعی پیوند غیرارادی است، صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه بر وحدت نظری (فکری) تأکید دارد (شفایی، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۵). اضافه شدن واژه (پسونند) «واحد» در اندیشه سیاسی و اجتماعی مسلمانان منجر به این گردیده است که هر آن (کس) که اعتقادی به مسلمانی نداشته باشد، از قلمرو «أمت واحد» خارج گردد. با توجه به مقتضیات جغرافیایی و ادیان مختلف حاضر در کشورهای مسلمان، از جمله ایران، این موضوع، یکی از چالش‌های سخت اُمت‌باوران است که هنوز به طور کامل برطرف نگردیده است. مفهوم اُمت در انقلاب ایران، دارای ایده پیشرو، پویا، فراگیر و متعهدانه بود و بر ایدئولوژی خاص استوار است.

۴. جریان اُمت‌باوری تندرو

نگرشی که آرمان‌ایدئولوژیک را در حوزه تدبیر امور داخلی و خارجی اصل می‌داند، معتقد به این باور است. از نگاه این طیف، اسلام به انسان یک جهان‌بینی بر اساس محور توحید می‌دهد و فرهنگ بشری را پایه‌گذاری می‌کند که انحصار به هیچ ملت یا هیچ گروهی ندارد. این فرهنگ همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد و در جامعه ایده‌آل به نام «اُمت» محقق می‌گردد. در دیدگاه این جریان فکری، اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول به جامعه اسلامی اهمیت بسیاری داده و تحقق اهداف خود را در جامعه مطلوب و آرمانی مورد نظر اُمت ممکن می‌داند. اُمت‌باوری رادیکال، رسالت خود را جهان‌شمول و تلاش برای برپایی گفتمان وحدت اسلامی و اسلام‌گرایی بنیان نهاده است (خلیجی اسکویی و ارسطو، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۶) و با تأکید بر تقوا و احترام به نوع بشر و رد نژادپرستی، با طرح همگرایی مسلمانان در صدد تشکیل اُمت واحد اسلامی در سراسر جهان اسلام‌اند که گونه‌ای از «پان‌اسلامیسم» است (موثقی، ۱۳۷۵، ص. ۳۵) که در ادامه به «پان‌شیعیسم» استمرار می‌یابد. در این جریان مسلمانان خودشان باید حکومت کنند و برای دخالت در سیاست نیازی به نیروهای ملی ندارند و حکومت نه فقط حق ایشان که تکلیف آنان نیز معرفی می‌گردد و این حکومت به شکل حکومت دینی تجلی پیدا می‌کند.

اُمت‌باوری اندیشه و ایده‌ای است که در مقابل تفکرات انحصارطلبانه‌ای همچون ملی‌گرایی قرار دارد (بابایی‌زارچ، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۳). به واقع این برداشت، در برابر اندیشه برآمده از فرهنگ غربی یعنی ناسیونالیسم، ایده «انترناسیونالیسم اسلامی» را مطرح می‌کند که باعث وحدت باورهای مسلمانان می‌گردد. انترناسیونالیسم اسلامی خود را در چارچوب‌های تنگ ایجاد شده در مقتضیات خاص تاریخی محدود نمی‌کند و فراتر از ملیت خاص است و در یک چارچوب باز و همیشه در حال توسعه‌ای مطرح می‌گردد. گرایش به مصالح فوق ملی از مؤلفه‌های مهم این گفتمان است (غرویان و قوامیان، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۷). به تبع این اندیشه، قضایا را با مقیاسی کلان می‌نگرد و الگوی دولت-ملت که در جریان تبادلات کنونی جهان معاصر عنصر قانونی است مورد توجه نیست و «بشریت» را به عنوان مبنای تئوری خود می‌شناسد. اُمت‌باوری تندرو بیش از

آن که طرحی برای حال باشد، هدفی است برای آینده.

در اندیشه اُمت‌باوران، انترناسیونالیسم اسلامی مورد اعتقاد آنها در نقطه مقابل انترناسیونالیسم الحادی است. زیرا این رویکرد اخیر به اصالت بشریت، منهای آب و خاک و دین و مذهب باور دارند و هر پیرایه‌ای را موجب پراکندگی نوع بشر شود، نفی می‌کنند (بابایی‌زارچ، ۱۳۸۳، ص. ۹۴). پس می‌توان گفت یکی از قیود مهم در اندیشه انترناسیونالیسم اسلامی و یا شیعی با وجود اعتبار فرامرزی آن، تقید به دین، مذهب و البته تعین مکانی مرتبط با آن است. از دید رهبران این جریان فکری، اختلافاتی که سبب پیدایش مرزها و ملت‌های گوناگون گردیده است، اصالتی ندارند و عمده اختلاف ناشی از اهداف و نیازهای غیرواقعی ایجاد شده‌اند. از این‌رو، می‌توان تمام افراد انسانی را علی‌رغم اختلاف در نژاد، زبان و رنگ در کنار هم متحد کرد (نیکونهاد و مکارم، ۱۳۹۹، ص. ۷۵). مرزهای جغرافیایی، مفهومی نسبی هستند و اصالت واقعی ندارند. نسبی بدین معنا که عامل اصلی برای وحدت اُمت و جامعه اسلامی، وحدت عقیده است (نیکونهاد، ۱۳۹۷، ص. ۷۷). دور از انتظار نیست که این ماهیت نسبی مرز، موجب تعریف وظایفی فراسرزمینی گردد.

این جریان فکری در ایران به نوعی از اسلام‌گرایی عقیده داشتند که طبق آن اسلام نه تنها جامع تمام ابعاد زندگی انسانی، بلکه کامل‌ترین مکتب است. تفکری که کلیه شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد و یک بینش حداکثری به دین دارد. این اندیشه نوعی بازگشت به بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی است که با توجه به مقتضیات اکنون جمهوری اسلامی و کشورهای اسلامی بوسیله مراجع شیعه تفسیر می‌گردد. بر مبنای این رویکرد، همه مسایل را جهانی و در تقابل با کاپیتالیسم و سوسیالیسم تفسیر می‌کنند و به دنبال تجویز نوعی حکومت یکسان برای منطقه‌ای بزرگ با فرهنگ‌های مختلف و گونه‌های مختلف از بینش هستند. ایجاد نوعی حکومت همراه و یکدست با حذف تکثر افکار و اندیشه‌های مخالف. به همین دلیل، ملی‌گرایی را به عنوان عامل تفرقه و جدایی مسلمانان معرفی می‌کند و آن را به طور کل نمی‌پذیرد. تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد ملی‌گرایی عموماً به نژادپرستی و تفاخر به یک هویت خاص می‌انجامد و ضدیت با تبعیض نژادی در اندیشه اُمت‌باوری اولویت

دارد (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷، ص. ۲۱۴).

با توجه به مبانی ذکر شده می‌توان دو مؤلفه بنیادین را در جریان اُمت‌باوران صدر انقلاب ایران چنین معرفی کرد: همچنان‌که اسلام از آغاز ظهور خود «داعیه‌ی جهانی» (ابراهیمیان، ۱۳۸۵، ص. ۲۳) داشته است، این اندیشه و این هدف به عنوان رویکرد ضداستعماری مورد پذیرش قرار گرفته است و به دنبال این امر بوده که می‌بایست زمینه‌های حضور کشورهای بزرگ صنعتی و مکاتب غیراسلامی در منطقه ضعیف و کم‌کم برچیده شود. مؤلفه دوم اینکه مقیاس‌های اسلام «مقیاس‌های جهانی» (ابراهیمیان، ۱۳۸۵، ص. ۲۳) است و نه اساساً قومی و نژادی. این عنصر نیز باعث طرد همه نحله‌های فکری و انکار همه نحله‌های غیر اسلامی و ملی از سوی این طیف تندرو می‌گردد و تمام مبانی و ایده‌های خود را در چارچوب هزار و چهارصد سال گذشته تعریف می‌کنند و تا جای ممکن تاریخ پیش از آن را انکار یا چنان سیاه‌نمایی می‌شود که اجازه خودنمایی برای آن وجود ندارد. مطابق روایات تاریخی، رویکرد افراط در ملی‌گرایی دوره مشروطه و پهلوی، به عنوان راهی برای بازگشت به خویش‌نشان ایرانیان و تحریک همدلی ایشان با حکومت به ضدیت با دین ختم گردید و علمای دینی به عنوان نمایندگان مذاهب مختلف تحت تعقیب قرار گرفتند. برخی از دسته‌جات تندرو دوره پهلوی حتی پا را فراتر گذاشته و به تخریب مبانی اسلام و مبلغان آن پرداختند و نشر کتاب‌های ضد اسلامی را گسترش دادند. این موارد در ایران پساانقلاب ۵۷ از جمله عواملی بود که ضدیت با ملی‌گرایان را در نزد مبلغان و اُمت‌باوران تندرو نهادینه کرد.

۵. جریان اُمت‌باوری میانه‌رو

بر اساس مبانی فکری این جریان، جهان اسلام یک اُمت واحد و کشوری است که می‌تواند با تشکیل حکومت اسلامی سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی‌اش فراتر برد. جریان میانه‌رو به وطن‌پرستی و «حب الوطن من الایمان» معترف و مبلغ آن هستند و نوعی تعلق مشروع را در این زمینه برای مردم قائل هستند. ایران، در نگاه این جریان،

یک بستر و یک میدان عمل تعریف می‌گردد که تاریخ و گذشته خاص خود را دارد و همه کسانی که متعلق به این جغرافیا باشند، مورد نظر هستند. به طور روشن، نسبت ایران و اسلام را نسبت ظرف و مظروف معرفی می‌کنند. با این وجود، گرایش به دین و اسلام در درجه نخست قرار دارد. بسیاری از مبانی اندیشگی این طیف فکری در رابطه با جایگاه ملت یا اُمت با نظریه «اُم‌القری» همراستایی دارد. در ایران، اولین بار محمدجواد لاریجانی این نظریه را با هدف تبیین خط‌مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و خصوصاً موقعیت و جایگاه ایران در جهان اسلام، وارد دستگاه فکری سیاست خارجی کرد (فیرحی، ۱۳۸۲، ص. ۲۶۰). ویژگی مهم این باور در این است که در آن سرزمین نخست حکومت اسلامی مستقر شده و دوم اینکه صلاحیت و رهبری ام‌القری نسبت به کل امت اسلامی است؛ یعنی این رهبری (جمهوری اسلامی ایران)، لیاقت ولایت بر کل امت را داراست (لاریجانی، ۱۳۷۵، ص. ۳۰). کشوری که ام‌القرای اسلام شناخته شود، باید ثبات و پایداری آن مساوی با پایداری اسلام و ضعف آن برابر ضعف اسلام و اُمت اسلامی باشد.

راهبرد ام‌القری تلاش دارد زمینه ترکیب میان منافع ایرانی با مصالح اسلامی-انقلابی را فراهم آورد و روایت جدیدی از امت‌باوری و ملت‌باوری ارائه دهد. این نظریه مدعی آن است که می‌تواند جمع میان منافع ملی و مصالح اسلامی باشد به گونه‌ای که در صورت تهدید موجودیت مرکزیت جهان اسلام، وظیفه واجب امت اسلامی است که یکپارچه به دفاع از آن برخاسته، امنیت آن را تأمین کند. نکته مهم در این بین اینکه حفاظت از ام‌القری هم ماهیت خارجی، یعنی جغرافیای ارضی آن را شامل می‌شود و هم جوهر معنوی آن را (لاریجانی، ۱۳۶۹، ص. ۲۰). اقوال و بیانات امام (رهبر انقلاب اسلامی) را هم می‌توان در راستا و همگام با تأیید این نظریه قرارداد: «الان چشم‌های همه دنیا به ایران دوخته شده و اگر شکستی پیش آید خیال نکنید این شکست برای ایران است، بلکه برای همه مستضعفان جهان واقع می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص. ۴۳). در واقع امام خمینی رابطه‌ای دو طرفه میان سرنوشت انقلاب ایران به عنوان پایه‌گذار یک دولت-ملت جدید با جهان اسلام برقرار می‌کند و از این نظر که مصالح ایران را به عنوان ابزار و مقدمه‌ای برای تأمین مصالح جهان اسلام مطرح می‌کند به

نظریه ام‌القرای نزدیک است (فیرحی، ۱۳۸۲، ص. ۲۶۵). بر این اساس، این نظریه به عنوان یک مبنای نظری، روایتی جدید از ملت‌باوری و توسعه مفهوم ملی‌گرایی متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی مطرح می‌کند. چنین منطقی تلاش دارد نه تنها در روند پیروزی خود از گزاره‌های ملت‌باوری و هویت ملی در معنای وطن‌دوستی ضدیگانه سود جوید، بلکه همچنین با وسعت و ظرفیت گفتمانی و محتوایی خود، آن جنبه منفی از ملی‌گرایی را حذف یا دست‌کم تعدیل و جنبه مثبت، سازنده و ایجاد کننده همگرایی آن را در مرکز توجه خود قرار دهد و حتی به واسطه آن برخی بحران‌های ضد حاکمیتی از قبیل جنگ تحمیلی، موضوع (بحران) هسته‌ای، برآورده نشدن انتظارات برنامه توسعه‌ای و... را مدیریت کند و با تکیه بر نمادهایی که مقوم ایرانیت و ملت‌باوری است مثل زبان فارسی، آثار باستانی و... به بسیج روح همبستگی، هم‌افزایی و انسجام ملی مبدل گرداند.

گفتمان انقلاب از درون خود مستعد پرورش و عرضه گزاره‌هایی بود که توانست جنگ تحمیلی را با تمسک به داشته‌ها و ذخایر فرهنگ ملی خود و دوری از تعصبات فرقه‌ای مدیریت نماید و چنان‌که آیت‌الله مطهری عقیده داشت از اهم وظایف حاکمیت، پرهیز از اقداماتی بود که احساسات، تعصبات و کینه‌های طیف‌های فکری مخالف را بر می‌انگیزد (مطهری، ۱۳۶۷، صص. ۱۷-۲۱). به خدمت گرفتن عناصر ملیت در تقابل با تهاجم بیگانه در جنگ تحمیلی، یکی از مدل‌های موفق در این خصوص به شمار می‌رود. هویت ملی شکل یافته در گفتمان انقلاب و جنگ در مسیر تطور خود با چالش‌های مختلفی روبرو شد که نتیجه معمول جریان سیاست و حکومت پس از انقلاب بود. در گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی نقطه اوج خصومت‌های هویتی بیگانگان علیه وضعیت موجود بود. نبرد و مقاومت ایران در برابر عراق، نبرد دارالاسلام در برابر دارالحرب و دارالکفر معرفی گردید. بر این اساس، تعصب به خاک و وطن تا آنجا که دافع و رافع انگیزه و تهاجم بیگانه باشد، امری مورد تأیید گفتمان انقلاب است و حتی هویت دینی و انقلابی به منظور حفظ مام میهن به خدمت گرفته می‌شود.

یکی دیگر از مصادیق نظریه ام‌القری، «قاعده نظام» است که مبنای رفتاری کشور

در تمامی سال‌های دفاع مقدس محسوب می‌شود. این الگو، هم تعیین کننده کیفیت هویت ملی و هم امنیت فیزیکی و تمامیت ارضی کشور را شامل می‌شد. آموزه‌های دینی امت‌باوری نه تنها در تقابل با هویت ملی و وطن‌پرستی ضدبیگانه قرار نمی‌گیرد، بلکه مسبب ایجاد و تعمیق انگیزش‌های جدید و قوی در شرایط وقوع جنگ به شمار می‌آید. مبانی دینی جمهوری اسلامی در این نظریه از یک سو بر قاعده جهاد تأکید دارد و از سوی دیگر مبانی دفاع ملی و بحث جهاد دفاعی را طرح و بسط می‌دهد. تحلیل امام خمینی از ملیت نیز چنین است که آن را در سایه تعالیم اسلام معنا می‌کند: «ما ملت را و فداکاری در راه میهن را در سایه اسلام می‌پذیریم. ملت، ملت ایران است. برای ملت ایران هم همه جور فداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسلام... دفاع از ممالک اسلام جزء واجبات است. لکن نه اینکه ما (اعتقادات) اسلامی را کنار بگذاریم و بنشینیم و فریاد ملیت بزنیم...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص. ۱۲۳).

یکی دیگر از مصادیق برنامه صنعت هسته‌ای، به عنوان یک واکنش دفاعی و بازدارندگی است که حاکی از یک جبران حقارت ملی و تاریخی از رهگذر تجهیز به این فناوری نوین است. بر این اساس، موضوع هسته‌ای جنبه ملی می‌باید که مطابق با آن ایرانیان در واکنش به نوستالژی منفی خود از عزت و اقتدار ملی از دست رفته خود در طول تاریخ، می‌کوشند با تکیه بر شکوه تمدنی خود به جبران فقدان برتری و عزت ملی اهتمام بورزند.

۱-۵. امت‌باوری میانه امام خمینی (ره)

به دلیل جایگاه آراء، نظرات و رویکرد امام خمینی در انقلاب ایران، سیاست-گذاری جمهوری اسلامی و نهادینه شدن آرمان حکومت جهانی اسلام در ایران، موجه به نظر می‌آید که به شکل مجزا توصیفی از نظریات ایشان مطرح گردد. محتوای پیام و ایده امام خمینی در زمینه جایگاه ملت و امت با توجه به مقتضیات مختلف زمانی بیان نظرات، برداشت‌های مختلف ایجاد می‌کند. ولی کانونی بودن اسلام در اندیشه ایشان و نگرش فراتر از کشورهای اسلامی وی و توجه به مستضعفین، عاملی گردیده است که شاید مقدور نباشد این آرا را همیشه در یک طیف فکری قرار داد. با توجه به جمیع

جهات، جریان فکری اسلام‌گرای میانه‌رو، بخصوص در جنبه‌های سیاسی و بین‌المللی آن به عقیده ایشان نزدیکتر است.

امام خمینی، ایده اسلامیت را در جهان اسلامی و شیعی تقویت کرد و برای همگرایی مذاهب اسلامی تلاش زیادی نمود. ایشان با وجود اعتقاد به آرمان حکومت جهانی اسلام، استقلال حکومت‌ها و ملت‌ها را بنا به مقتضیات زمانه می‌پذیرفت (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص. ۱۶۸). با این وجود، با طرح ملیت و ایدئولوژی منتسب به آن یعنی ملی‌گرایی منفی - تفاخر به نژاد و تاریخ - از نوع غربی مخالف بود و با هر آن چه زمینه و فرهنگ استعمار و نفوذ آن را هموار می‌کرد، مخالفت می‌کرد. مفهوم ملت در تعریف غربی را یک موجودیت مادی صرف می‌دیدند که مردم یک کشور برای خود اصالت و امتیازی قایل‌اند و منافع خود را برتر از دیگران می‌دانند و چنین نگرشی را مغایر اسلام می‌دانست (بابایی‌زارچ، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۸). در اندیشه بنیانگذار جمهوری اسلامی، ایران یک جایگاه فراتر از جایگاه مادی و مفهومی انسانی و روحانی بود و تا آنجا به اصالت و ملت‌باوری بها می‌داد که تقابلی با اسلام در آن دیده نمی‌شد. نمی‌توان کتمان کرد که نزد ایشان بُعد اسلامیت و بُعد فرهنگی و مذهبی ایران در چارچوب اسلام بسیار اهمیت داشت. در نگاه وی نسبت ملت‌باوری با آموزه‌های اسلامی و انقلابی منجر به تقابل و قطب‌بندی نمی‌شود. از این رو، گفتمان انقلاب از قطب‌بندی مرسوم و معمول این مفهوم ناسیونالیسم ایرانی فراتر می‌رود. به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد در تحلیل نهایی، آموزه‌های انقلاب اسلامی بدون آن که تضادی اجتناب‌ناپذیر با ملی‌گرایی داشته باشند، تنها با ابعادی از ناسیونالیسم مواجهه و ضدیت می‌یابد که منتهی به احساسات منفی ناسیونالیستی مشابه ناسیونالیسم افراطی، توسعه‌طلب و توتالیتیر گردد؛ و گرنه در صورتی که ملی‌گرایی جنبه ضد‌استعماری و آزادیخواهی به خود بگیرد و در مسیر مصالح اُمت‌باوری به کار بسته شود، نه تنها مذموم نیست، بلکه با قرائت جدید و تحولی که در آن ایجاد می‌شود، کاملاً در راستای خدمت آرمان و هویت مقاومت اسلامی می‌گیرد. بر این اساس، امام خمینی محدود بودن (ساختن) انقلاب اسلامی در ایران را نفی می‌کند و توسل به هر وسیله‌ای برای تجاوزگری به ملت مسلمان دیگر را نمی‌پذیرد (قاسمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۶). ولی عموماً بین واقعیات عالم

سیاست و شرایط کشورهای اسلامی و صدور انقلاب توازنی را در نظر داشت. اگرچه تقدم اسلام در دیدگاه ایشان مشهود است، ولی نه تنها مسلمانان، بلکه ایشان با مفهوم رهایی مستضعفین که اعم از مسلمین است، تمام ملت (ملت‌ها) را خطاب و مورد توجه قرار می‌داد. صدور انقلاب نزد او به عنوان بدیلی برای رهایی مستضعفین مطرح بود. (قاسمی، ۱۳۸۹، صص. ۱۳۶-۱۳۷). تنوع فرهنگی و هویتی را مادامی که مخالفی با اصول مصرح اسلام نداشته باشد و نفی اُخوت اسلامی نکند، می‌پذیرفت. ایشان معتقد به برداشتن همه مرزها و حکومت سیاسی اسلامی نبودند، بلکه با وجود ملت‌ها و مرزها می‌توان جامعه واحد، گسترده و همدل تحت لوای اسلام و همگرا با یکدیگر ایجاد کرد. چنگ زدن اُمت‌باوران به اسلام و مذهب را اعتبار دهنده و ولایی کردن ارزش‌ها و تلاش‌های ملت می‌دانست که ایجاد انگیزه مضاعف و مستمر در ملت ایجاد می‌کند. ایده ملی‌گرایی باعث کوچک شدن کشورها در ملت‌های خاص و در موضع ضعف قرار گرفتن در قیاس با استعمارگران و حکومت‌های بزرگ بود. مبارزه با فرهنگ استعمار یک انگیزه و یک اندیشه دائمی بود. رابطه هویت اسلامی و ملت در اندیشه ایشان، رابطه‌ای دو سویه و حالت اثر و موثر داشت. چنین هویتی که زمینه ملی‌گرایی و خاستگاه اسلامی و شیعی دارد، می‌تواند جامعه و حکومت ایده‌آل یعنی اُمت را محقق سازد.

۶. جریان ملت‌باوری میانه‌رو

هویت‌ها پدیده‌های فراتاریخی، عاری از اقتصاد، ایدئولوژی و جغرافیای خاص خودشان نیستند. بلکه این سازه اجتماعی با تکیه بر حافظه جمعی و با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماعی، تعریف و در طول زمان بازتفسیر می‌شوند. جوامع، حکومت‌ها و نهادها در ایجاد، حفظ و تقویت آن نقش اساسی ایفا می‌کنند. (گل‌محمدی، ۱۳۸۰، ص. ۱۷).

ملت‌باوری نوعی عقیده سیاسی است که زمینه یکپارچگی جوامع جدید و مشروعیت مدعای آنها، برای داشتن اقتدار را فراهم می‌آورد و وفاداری اکثریت مردم

را متوجه یک دولت-ملت می‌نماید (قمری، ۱۳۸۰، ص. ۱۷). در این رویکرد ایدئولوژی ناسیونالیسم نوعی ملت‌باوری است که ریشه در آگاهی جمعی دارد که آن نیز از اشتراک عواملی چون زبان، ارزش‌های اخلاقی، دین، ادبیات، سنت‌های تاریخی، تاریخ، نمادها و تجربه‌های مشترک سرچشمه می‌گیرد. نوعی وحدت نظر و آرزوی گروهی از مردم برای تشکیل یک حکومت واحد است (بیگدلی، ۱۳۸۳، ص. ۶۷). ناسیونالیسم در این مفهوم از دولت‌های مطلقه ریشه گرفته و سرانجام به بازتولید خود آن خواهد انجامید. در نزد این جریان، گرایش به دین در نقش درجه دوم و ابزاری محسوب می‌گردد و ملیت‌باوری بر دیانت و در ایران بر اسلامیت تقدم دارد. ملی‌گرایی و دریافت از ملت‌باوری، گونه‌ای از ناسیونالیسم بومی و مذهبی را در بر می‌گیرد که به انتهای طیفی که دیوار به دیوار لیبرالیسم می‌رسد، گرایش دارد. البته این جریان نیز به مانند جریان‌های دیگر هیچوقت یکدست نمانده و در طی تحولات جمهوری اسلامی دچار نوسان بوده است. به طور کلی ملت‌باوری دارای زمینه‌های مختلفی است که برخی از آنها با دیدگاه اسلام تعامل دارد و بعضی چون ناسیونالیسم افراطی، توسعه طلب، توتالیترو... با آموزه‌های اسلامی همخوانی ندارد. در ایران، این جریان فکری به تدریج و با توجه به مقتضیات سیاسی و اقتصادی داخلی و بین‌المللی از روحانیت فاصله گرفت و تفسیر خاص خود را از دین داشت و زمینه‌های ملی‌گرایی در ایشان بسیار قوی‌تر گردید و با جمهوری با پسوند اسلامی به طور بارز دچار مشکل شد و سمت و سوی جمهوری دموکراتیک پیدا کرد. بر همین اساس، صدور انقلاب و نهضت‌های آزادی‌بخش را مانع رسیدن به پیشرفت معرفی می‌کنند (برانعلی‌پور، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۵).

شاید بتوان گروه نهضت آزادی و ملی-مذهبی‌ها در این طیف تعریف کرد. از آنجا که محتوای مفاهیم فرهنگی و تاریخی طیف‌های فکری مختلف متغیرند و با توجه به در زمانی بودن مفاهیم، اندیشمندان این حوزه می‌توانند تیپ‌های مختلف ایده‌آل از یک رویکرد یا پدیده بسازد که به درک بهتر کمک کند. چرا که مفاهیم این گروه نه هیچوقت را کد مانده است و نه هیچوقت پویا. هم سرایت می‌کند و هم در طی تحولات، اندیشه‌های دیگری را به خود جذب کرده است. این جریان، حرکتی نوگرا و به دنبال توجیحات یا زمینه‌های اسلامی مفاهیم مدرنیته است. نحله‌ای که می‌خواست

دموکراسی یا مفاهیم مدرن و مدرنیته را از درون اسلام و قرآن استخراج کند (سحابی، ۱۳۸۱، ص. ۱۶).

با مقوله‌بندی، توجه به مصادیق و عینیت‌های خاص مفاهیم در این جریان، می‌توان به وجوه کیفی دقیق‌تری از باور به ملت نزد آنان یافت. اندیشه ملت‌باوری این جریان، باعث پایداری اخلاق گردیده است و تبدیل به دال مرکزی اندیشه می‌گردد. «ایران برای ما محور است. بقول مهندس بازرگان ما اول ایرانی و بعد مسلمانیم» (سحابی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱). عرضی خواندن دین در این طیف فکری، به عدم ضرورت مطلق معنویت و اسلامیت در حوزه گفتمان ناسیونالیسم و ملت‌باوری منجر نگردیده است، بلکه تیغ نقد خود را به سمت اجرای اسلام سیاسی و حکومتی در جمهوری اسلامی گرفته است نه خود اسلام. خصیصه‌های مختلف این جریان فکری حول یک کل منطقی و عینی به نام ایران جمع گردیده‌اند.

عزت‌اله سحابی، به عنوان یکی از نمایندگان این جریان، علیرغم همراهی با انقلاب اسلامی، با اصل ولایت فقیه در قانون اساسی مخالفت کرد. البته این جریان به دنبال سکولاریزه کردن جامعه نبود، ولی معتقد است حکومت باید نسبت به عقاید و ایده‌های مردم بی‌طرف باشد تا بتواند عدالت را برقرار کند (بسته‌نگار، ۱۳۹۳، ص. ۱۲). این جریان، سیاست خارجی را به لحاظ نظری به تقدم منافع ملی بر جهان‌وطنی قائل است. حتی جهان‌وطنی شدن مسلمانان را هم فرع بر منافع ملی می‌دانند. یعنی اگر دخالت ایران در کشوری مسلمان به لطمه خوردن ایران منجر گردد، باید کوتاه آمد (سحابی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵۵). تأکید بر منافع ملی و حفظ استقلال سرزمینی از ایده‌های اصلی این جریان است. به تعبیر این طیف «ما همه داخل یک کشتی هستیم و اگر کسی بخواهد کشتی را سوراخ کند همه غرق می‌شویم؛ لذا اندیشه‌ها و جریان‌های فکری مختلف تا جایی قابل پیگیری هستند که به تمامیت ارضی ایران و استقلال آسیبی نرسد» (بسته‌نگار، ۱۳۹۳، ص. ۲۷). نگاه این جریان به هویت ملی با مفاهیمی مانند ضدیت با استعمار، استقلال سیاسی، اولویت منافع ملی و یکپارچگی ملی و از همه مهمتر با توسعه ملی گره خورده است (هوشمند، ۱۳۹۰).

حوزه گفتمانی این طیف، از عناصر ناسیونالیستی، لیبرالی و مذهبی ترکیب شده

است. به نحوی که به توسعه ملی در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کمک نماید. حاصل جمع همه این مفاهیم باید به حفظ ملی‌گرایی بینجامد. در این فضای گفتمانی، همه ابعاد باید بر وحدت و توسعه ایرانیت یاری رسانند. اگرچه اسلام نیز به عنوان یک مفهوم و یک دال شناور حضور دارد، ولی بر توسعه ملی پیشی نمی‌گیرد و ذیل آن قرار دارد. در نهایت می‌توان گفت این جریان فکری: ۱. دیانتی بازخوانی شده و بازتفسیر شده ۲. سیاستی آزادمنشانه ۳. ملت‌باوری غیر دین‌ستیز که با دیانت بر سرآشتی است ۴. و پذیرش انتقادی تمدن غربی و تعامل با آن را مبانی فکری و ساختار منظومه گفتمان‌شناسی‌شان را شکل می‌دهد (نجاری، محمودی، و زرگر، ۱۳۹۹، صص. ۲۰۰-۲۰۱).

۷. جریان ملی‌گرایی تندرو

در جریان‌شناسی و واکاوی گفتمان‌های مختلف دوره جمهوری اسلامی به طیفی از افراد و افکار بر می‌خوریم که لزوماً نمی‌توان ایشان را به دسته‌جات خاص یا دوره زمانی خاصی محدود و منحصر کرد. از فرقه‌های مذهبی مختلف غیرشیعی گرفته تا ادیان دیگر (غیر مسلمانان) در این طیف حضور دارند و حتی نحله‌های فکری و ایدئولوژی‌های چپ. این تلفیق سنتز جدیدی از اثرپذیری آنها از تجدد و مؤلفه‌های آن به وجود آورده که شرایط بدیعی ایجاد کرده است (حقیقت، ۱۳۹۷، ص. ۹۴). اگر چه این جریان از سرچشمه روشنی آبخور نمی‌گیرد، ولی در یک مبنا با یکدیگر همگرا می‌شوند و آن ضدیت با اُمت‌باوران تندرو است. شاید بتوان ایجاد یا پررنگ شدن چنین طیفی را حاصل ناکارآمدی در بخش‌هایی از حاکمیت در دهه‌های اخیر دانست. برای این جریان، ایران بما هو ایران اهمیت دارد. امت‌باوری در نظر ایشان امری شخصی است و به دین در مناسبات جمعی اهمیتی نمی‌دهند و هیچ مداخلیتی برای آن قائل نیستند. چارچوب چنین جریانی همان چارچوب‌های آزادی اومانیستی و عقلی است. ولی در رابطه با مدل فکری و حکومتی مورد حمایت آنها هیچ نوع همگرایی وجود ندارد و تفسیر شفاف‌تری از آینده و اهدافشان هم ارائه نمی‌دهند. این جریان رسانه

مشخصی ندارد و ارتباطش با حاکمیت صرفاً در حد منتقد معرفی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

ورود مؤلفه‌های مدرنیته در قالب ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و لیبرالیستی و تفاسیر غیربومی از آنها به ایران، باعث نوعی چندپارگی و تشکیک در درک از مفاهیمی چون ایرانیت، وطن‌پرستی و اسلام‌باوری گردید. چالش اُمت‌باوری و ملت‌باوری در ایران دوره معاصر، اثرپذیری عمیق از دوگانه سوسیالیسم و لیبرالیسم و همه شعبات آنهاست. این مفاهیم و ایده‌ها در گفتمان انقلاب، هیچ وقت نه به درستی تعریف شدند و نه طرد یا به شکل شایسته ممزوج شدند.

گفتمان اُمت‌باور (تندرو) که به تدریج در جمهوری اسلامی به هژمون مبدل گردیده است، مستمر در حال غیریت‌سازی فرهنگ غربی، ایده‌آل‌های غربی و حتی ایده‌آل‌های برخی کشورهای اسلامی است و حتی در برخی موارد به تخریب و تخاصم گرایش دارد. این گفتمان مؤلفه‌های انقلاب مستمر، حزب‌اندیشی، انقلابی‌گری و ولایت فقیه را مدام روزآمد می‌کند. در شکل حکومت با وجود پذیرفتن ظرف ایران، همیشه شکل دینی و اسلامی نظام را اولویت می‌شناسد و استفاده همه منابع و منافع کشور را در این بستر، مشروع و قانونی معرفی می‌کند. اساساً اُمت‌باوران، چه جریان تندرو و چه میانه‌رو کشور را میراث‌دار فرهنگ و هویت اسلامی می‌شناسند. این گفتمان در آمالش، پس از استقلال سیاسی، در پی استقلال فرهنگی از استعمار نوین جهانی است. به عبارتی، گفتمان اسلام‌گرای اُمت‌باور، دین و مذهب را مبدل به «دین ایدئولوژیک» کرده است و خود را بانی یک مکتب معرفی نوین در قیاس با مکاتب دیگر تعریف می‌کند. آرمان‌گرایی و انتزاعی بودن برخی از آمال و اهداف، این طیف فکری را در مقابل جریان فکری ملت‌باور قرار داده است که به نوعی به واقع‌گرایی کُشش زیادی دارند. تقابل و تعامل ملت و اُمت و ایدئولوژی منتسب به آنها یعنی ایرانیت و اسلامیت را باید در تقابل و تعامل جریان-گفتمان آنها یافت. گفتمان ملت و اُمت، گفتگوی ناشنویان نیست. گفتگویی از جنس تاریخ و از جنس صیوروت و

تحول تاریخ است. برخی برای تنظیم‌گری امور بشر صرفاً به گذشته و منتظر نزول از آسمان‌اند و برخی خود را عالم به همه زمان‌ها می‌دانند، ولی بجای قانون تاریخ، از قانون طبیعت یاری می‌گیرند.

هر گروه و جریان سیاسی و فکری برای اثرگذاری پایدار باید سه مؤلفه اصلی داشته باشد:

۱. از گذشته و شیوه شکل‌گیری خود یک روایت روشن داشته باشد و یا از طریق دستگاه رسانه‌ای یک پیشینه تاریخی و فکری ایجاد کند که در نظر همه جریان‌های فکری پذیرفتنی یا مورد قبول واقع گردد. روایت و مبدأ باید تحول‌ساز باشد. جریان‌های پرداخته شده در این مطالعه، دارای یک روایت یکدست نبوده‌اند و یا به تناسب مسائل و مقتضیات در حال روایت جدیدی هستند.

۲. هر جریان باید تحلیل دقیق و مشخصی از حال خود و دیگران روایت کند. به سخن دیگر، هر طیف فکری باید یک کلان روایت داشته باشد که ساختارها در آن روشن و طی طریق خود را به شکل دقیق و به دور از اجمال و البته پذیرفتنی طرح کند. ولی گره زدن همه مقتضیات کشور به امور ارزشی، سیال و نسبی باعث گردیده، امکان قانونمند کردن بسیاری از مسایل ممکن نباشد و حتی نسبت به برخی امور بلا تکلیف و منتظر تفسیر جدید در تاریخ هستند. موضوع وقتی بغرنج می‌گردد که تفسیر یک جریان فکری، لزوماً منجر به یک پاسخ مشخص نمی‌گردد و به تبع آن، از هر جریان یک صدا شنیده نمی‌شود. این موضوع چه برای امور داخلی چه برای امور کشورهای مسلمان و غیرمسلمان روشن گشته است.

۳. هر جریان اگر کلان روایت داشته باشد- این کلان روایت از پذیرفتن برخی تعمیم‌ها ایجاد می‌گردد- پس باید برای آینده خود و کشور تصور مشخص و بلند مدتی داشته باشد. اینکه برخی از جریان‌ها، صرفاً همه موضوعات را به امور فوق بشری یا اهداف یک ایدئولوژی خاص پیوند بزنند و به طور انتزاعی آینده را هموار بنمایانند، به نظر نمی‌رسد حداقل برای همه جمعیت آن جریان پذیرفتنی و کاربردی باشد. هر جریان فکری، به یک گونه‌ای از خرده روایت مبهم بسنده کرده است که به تدریج همان نیز در آینده برای ایشان ناپذیرفتنی و غیرکاربردی می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی

حامی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: نویسنده در آماده‌سازی مقاله به طور کامل مشارکت داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- ابراهیمیان، حجت‌الله (۱۳۸۵). *اسلام و ایران*. برگرفته از کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: کانون اندیشه جوان.
 - ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، گناباد: نشر مرنديز.
 - بابایی‌زارچ، علی‌محمد (۱۳۸۳). *امت و ملت در اندیشه امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 - براتعلی‌پور، مهدی (۱۳۹۵). *مدیریت بحران‌های سیاسی در فرآیند تثبیت انقلاب اسلامی*. تهران: عروج.
 - بسته‌نگار، محمد (۱۳۹۳). *دکتر سبحانی و اخلاق در سیاست و توسعه انسانی در اندیشه مهندس سبحانی*. تهران: نشر قلم.
 - حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۷). «هویت ایران-اسلامی. تحلیلی گفتمانی». *دو فصلنامه حقوق بشر*. ۱۳(۱)، ۹۱-۱۱۰.
- Doi: <https://doi.org/10.22096/hr.2018.31641>
- خلیجی‌اسکوئی، محسن و ارسطو، عبدالکریم (۱۳۸۸). «ملی‌گرایی و وحدت اسلامی، تعامل یا تقابل؟». *فصلنامه مطالعات ملی*. ۱۰(۴۰)، ۱۵۹-۱۸۰.

Doi: 20.1001.1.1735059.1388.10.40.7.7

- خمینی، (امام) سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سبحانی، عزت‌الله (۱۳۸۱). «ارزیابی نیروهای ملی-مذهبی در بستر تحولات اجتماعی» *بازتاب اندیشه*. (۳۴). <https://www.magiran.com/magazine/3459>
- سبحانی، عزت‌الله (۱۳۸۹). «ایران در جستجوی آزادی و برابری». (مصاحبه با مجله لوموند).
- سبحانی، عزت‌الله (۱۳۹۴). «چرا ملی، چرا مذهبی؟». *چشم‌انداز ایران*. (۹۳)، ۹-۱۶. <https://cheshmandaziran.ir/wp-content/uploads/2023/04/93.pdf>
- شریعتی، علی. *امت و امامت*. بی‌جا. بی‌نا. بی‌تا.
- شفایی، امان‌الله (۱۳۹۱). «تبیین قلمرو آموزه اُمت در جوامع چند فرهنگی». *حوزه علمیه*. ۱۷ (۴)، ۱۳۳-۱۶۲. <http://www.rcipt.ir/pdfmagazines/066/66.pdf>
- شیخاوندی، داود (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی تجدد ماکس وبر*، تهران: قطره.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۶). *تفسیرالمیزان*. تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). *فقه سیاسی*. ج ۳. تهران: امیرکبیر.
- غروی‌ان، محسن و قوامیان، شاکر (۱۳۸۰). «ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام». *مجله معرفت*. ۱۰ (۱۱)، ۹۴-۱۰۴. <https://marifat.nashriyat.ir/node/1412>
- فروند، ژوینی (۱۳۶۲). *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: نیکان.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۲). *نظام سیاسی و دولت در اسلام*. تهران: سمت.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹). «دیالکتیک اُمت و امامت در آرای امام خمینی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۳ (۳)، ۱۳۱-۱۴۸.

- قمری، داریوش (۱۳۸۰). *تحول ناسیونالیسم در ۱۳۲۲-۱۳۲۰*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گل محمدی. احمد (۱۳۸۰). «جهانی شدن و بحران هویت». *فصلنامه مطالعات ملی*. ۳(۱۰).
Dor: 20.1001.1.1735059.1380.3.10.1.8
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۵). «حکومت اسلامی و مرزهای سیاسی». *فصلنامه حکومت اسلامی*. ۱(۲)، ۳۷-۴۹.
- <http://www.rcipt.ir/pdfmagazines/002/002.pdf>
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹). *مقولاتی در استراتژی ملی*. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). *امامت و رهبری*. تهران: انتشارات صدرا.
- موثقی، احمد (۱۳۷۵). *استراتژی وحدت اندیشه سیاسی*. ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نجاری، فریده، محمودی، مرتضی و زرگر، علی اصغر (۱۳۹۹). «نهضت آزادی در ایران پس‌انقلابی: تعارض منظومه‌های معنایی». *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*. ۱۴(۵۱)، ۱۹۷-۲۱۶.
- file:///C:/Users/mansoori/Downloads/IRA_Volume%2014_Issue%2051_Pages%20197-216.pdf
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۶). *مبانی نظریه در جامعه‌شناسی*. تهران: پردیس دانش.
- نیکونهاد، حامد و مکارم، روح‌الله (۱۳۹۹). «تأملی بر چالش‌های نظام امت امامت در تلاقی با اقتضائات دولت مدرن در نظم حقوق اساسی جمهوری اسلامی». *فصلنامه دانش حقوق عمومی*. ۹(۲۸)، ۷۱-۹۲.
Doi: 10.22034/qjplk.2020.197
- نیکونهاد، حامد (۱۳۹۷). *نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه امت و امامت*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هوشمند، حسین. «تأملی در هویت ملی روشنفکری دینی». *اخذ از سایت جرس*.